

متن پرسش

باسمه تعالی سلام وقت بخیر: حضرت استاد بنده از سال ۱۳۸۹ با مباحث حضرتعالی مأنوسم. تقریباً تمامی کتب رو با دقت و حوصله خوندم. برخی از مطالب و کتب رو با یکی دیگر از دوستان مباحثه کردم. حالا بعد از حدود ۱۳ سال انس با اندیشه حضرتعالی، چندسالی هست که دچار خلأ و پوچی شدید شده‌ام. تمامی آنچه که در وجود من بود که به قول حضرتعالی اوهام و اسماء سمیتموها.... بود همگی فروریخته و حالا من در یک کویر بی انتها تنها مانده‌ام. هر مطلبی که از حضرتعالی می‌خونم (من جمله آخرین کتابی که خواندم تفسیر انفسی سوره مرسلات بود)، با چشمه آبی روبرو می‌شوم که وقتی در این کویر کمی جلوتر می‌روم می‌بینم گویا سراب هست. این وضعیت تمام زندگی بنده رو تحت شعاع قرار داده و هیچ انگیزه‌ای برای ادامه ندارم. مدت دو سال هست که به لطف ذوات مقدسه از تهران به مشهد مأورو مأنوس با حضرت سلطان شده‌ام. اما باز هم در این کویر با سراب‌ها به سر می‌برم. خیلی وقت هست که در تلاشم با خود به سر ببرم و به قول حضرتعالی با بودن محض خود باشم و از خود تغذیه کنم. اما موفق نشده‌ام. در پیاده روی اربعین امسال از همه ذوات مقدسه در عتبات عالیات استعدا و تمنا کردم راه رو به من نشون بدن و بارقه‌ای از نور خودشون رو در وجود من قرار بدن تا بتونم خودم رو پیدا کنم و نسبت به حقیقت گشودگی داشته باشم. حضرت استاد! خواهش می‌کنم راهی جلوی پای بنده بگذارید که از این وضعیت که حدود ۵ سال هست که درگیر آن هستم خلاص شوم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این همان سكراتی است که اگر کسی استعداد حضور بیشتر در خود و در جهان را داشته باشد در همین جهان با آن روبرو می‌شود و تنها راه عبور از این حالت، حضور نزد خود، ذیل اراده الهی در تاریخی است که بوجود آمده. و معلوم است که کار ساده‌ای نیست ولی افقی است گشوده. عریضی تحت عنوان «انقلاب اسلامی، انتظار، وارستگی»
<https://lobolmizan.ir/sound/۱۰۹۶?mark=%D۹%۸۸%D۸%AY%D۸%B۱%D۸%B۳%D۸%AA%DA%AF%DB%۸C>
در ۳۰ جلسه با رفقا در میان گذاشته شد. امید است بتواند با افقی که می‌نمایاند؛ این سكرات و راه عبور از آن معنا شود. موفق باشید